

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ظنناء و علماء

« مسئله حرمت فتوی دادن با ظن و عمل کردن بر آن »

اینکه سؤال نموده بودید که آیا جایز است در احکام شرعیه فتوی دادن و عملکردن باظن یا نه زیرا که در اغلب فتواهای و حکمهای علماء و مجتهدین لفظ احوط و احتیاط و مشکل و تامل دیده میشود و این الفاظ و عبارات دلیل مظنون بودن حکم است در نظر فتوی دهنده پس احقر در جواب آقایان معروض میدارد که جواب این سؤال در قرآن مبین است از جهت اینکه در کتاب خداوند تعالی جواب هر مسئله مهم موجود است چنانکه در سوره مبارکه انعام فرموده **وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابَسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَّبِينٍ** و در یوسف ماکان حدیثاً یفتی ولیکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و در انعام **مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ نَحَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ دَرَقَرَأْتِ حَضْرَاتِ ائِمَّةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ** و در بنی اسرائیل **وَ كُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلاً** و در یس **وَ كُلُّ شَيْءٍ اَحْصَيْنَاهُ فِي اِمَامٍ مَّبِينٍ** و در این شش آیات شریفه بیان فرموده که همه امورات دین و احکام و مسائل مسلمین در قرآن مبین است و در کتاب شریف تفریط و نقص نشده و بیان هر حکم گردیده پس بنا بر این باید حکم فتوی با ظن و عمل کردن بظن در قرآن مبارک بوده باشد زیرا که این مسئله از مهمات مسائل دین و از مزال اقدام علماء اعلام است و در آیات بسیار فتوی بظن و عمل

بآنرا مذمت و ملامت و تقبیح و تشنیع کرده چنانکه در سوره ص فرموده ذلك
ظن الذين كفروا و در یونس و ما ظن الذين يفترون و در آل عمران یظنون
بالله غير الحق ظن الجاهيلة و در فتح و ظننتم ظن السوء و ايضاً در فتح
الظانين بالله ظن السوء و در انشقاق انه ظن ان لن يحور و در انبياء
فظن ان لن نقدر عليه و در یونس و ظن اهلها انتم قادرون عليها و در قیامة
و ظن انه الفراق و در انعام ان تتبعون الا الظن و در یونس و نجم در دو مورد
ان يتبعون الا الظن و در یونس و نجم ان الظن لا يغني من الحق شيئاً و در
نساء الاتباع الظن و در حجرات اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن
اثم و در یونس و ما يتبع اكثرهم الا ظناً و در جاثية ان نظن الا ظناً
و ايضاً انهم الا يظنون و در فصلت و ذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم
و ايضاً ولكن ظننتم ان الله لا يعلم و در فتح بل ظننتم ان لن ينقلب
الرسول و در حشر ما ظننتم ان يخرجوا و ايضاً و ظنوا انه ما نعتهم
حصولهم و در كهف فظنوا انهم موات و در یوسف و ظنوا انهم قد كذبوا
و در قصص و ظنوا انهم الينا لا يرجعون و در احزاب و تظنون بالله الظنونا
و در سباء و لقد صدق عليهم ابليس ظنه و در این بیست و هفت آیات
شریفه درسی مورد قرآن مبارك خداوند تعالی ظن را ذم و تکذیب فرموده
و عمل بظن کردن را ملامت و نسبت بشناعت کرده پس با وجود اینها
چطور میشود که کسی عمل بظن بکند و با ظن فتوی بدهد و احکام اسلام
را بمردمان بگوید و چه نحو خواهد شد حال کسی که بفتوای او عمل نماید

و اورا عالم بداند و هیچ‌ظن‌کننده با علم و بایقین نمیشود و فتوای ظنی بافتوای علمی مساوی نخواهد بود و حکم‌دهندگان با ظن ظن‌ناستند و فتوی‌گویندگان با علم علماء میباشند و با ظن کردن کسی عالم نمیشود و جهل مراتب دارد و نادانی درجات است و ظن یکمرتبه از جهل و نادانی است و این مسئله از برای عوام واضح است تا چه رسد بخواص و فرق در میان ظن و علم مثل نور و ظلمت است و از واضحات عقلیه است و از این جهت خداوند تعالی در آیات شریفه فرق دادن در میان علم و غیر علم را بوضوح حواله فرموده چنانکه در سوره مائتکه و مؤمن ذکر کرده **وما یستوی الاعمی والبصیر** و در مائتکه **وما یستوی الاحیاء و لا الاموات** و در انعام و رعد **هل یستوی الاعمی والبصیر** و در زمر **هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون** و در این چهار آیه درشش سوره عالمان را برینیان و زندگان و غیر عالمان را بر کوران و مرده‌گان تشبیه کرده و در آیه آخر فرق در بین ایشان را بوضوح گذاشته پس بصریح آیات مذمت و نص این آیات شریفه غیر عالم نباید حکم بکند و فتوی بدهد و حکم و فتوی با ظن در دین صاحب قرآن و در قانون مسلمانان نمیشود زیرا که علاوه بر آیات شریفه سابقه خداوند تعالی در چند آیه از فتوی دادن و حکم کردن بدون علم نهی و منع کرده چنانکه در سوره بقره فرموده **ام تقولون علی الله ما لا تعلمون** و در بقره و اعراف **وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون** و در اعراف و یونس **اتقولون علی الله ما لا تعلمون** و در نساء **ولا تقولوا علی الله الا الحق** و در انعام **بما کنتم تقولون**

علی الله غیر الحق ودر این پنج آیه در هفت مورد قرآن مبین از فتوای دادن
 بغیر علم و از گفتن حکم شرعی بدون علم حرام فرموده و در سوره اعراف حرام
 شده هارا شمرده تا آنکه فرموده **وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون** یعنی یکی از
 محرمات گفتن چیزی است از جانب شرع خداوند تعالی بدون علم بآن از جانب
 خداوند سبحان پس از همه این آیات معلوم گردید که عمل بظن و فتوی دادن و حکم
 کردن باظن از اشد محرمات است و در آیه نساء و انعام مذکوره خداوند تعالی نهی
 فرموده گفتن و فتوی دادن را مگر آنکه بحق و واقع بوده باشد و در دو آیه یونس
 و نجم فرموده که ظن از حق غنی نمیکند و این از توضیحات است که ظن باحق ضداست
 و از این سی و شش آیات مذکوره حرمت عمل و فتوی بظن معلوم شد و احادیث
 صحیحه کثیره نیز همیشه طور دلالت دارند چنانکه در کافی و محاسن از ابی عبیده
 روایت کرده اند که حضرت باقر **علیه السلام** فرمود **من افتی الناس بغیر علم و لاهدی**
من الله لعنته ملائکة الرحمة و ملائکة العذاب و لحقه و زر من عمل بفتیاه
 و در کافی و فقیه و محاسن از ابن حجاج روایت کرده اند که حضرت صادق **علیه السلام** بمن
 فرمود **ایاک و خصلتین ففیهماهلک من هلك ایاک ان تفتی الناس بر ایاک**
وان تدین بما لا تعلم و در کافی و محاسن از ابن مزید از آنحضرت است **انهاک**
عن خصلتین فیهماهلک الرجال انهاک ان تدین الله بالباطل و تفتی الناس
بما لا تعلم و در کافی و تهذیب روایت کرده اند که آنحضرت فرموده **الحکم حکمان**
حکم الله تعالی و حکم اهل الجاهلیة فمن اخطا حکم الله حکم یحکم
الجاهلیة و در کافی و مجالس صدوق از زراره است که سؤال کردم از حضرت باقر

ﷺ که حق خداوند عالم در بندگان چیست فرمود ان تقولوا ما يعلمون و يقفوا
عندما لا يعلمون و در کافی و فقیه و مجالس از ابن زید است که شنیدم از حضرت
صادق علیه السلام میفرمود العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق
لا یریده سرعة السیر الابداء و در تفسیر عیاشی از عمار از آنحضرت است که
سؤال شد از حکم نمودن فرمود من حکم برأیه بین اثنین فقد کفر و من فسر آیه
برأیه من کتاب الله فقد کفر و ایضاً از آنحضرت که فرمود ادنی ما یرج
به الرجل من الاسلام ان یری الرای بخلاف الحق فیقیم علیه و از عمار
از آنحضرت است که فرمود استعملوا الرای و القیاس فی دین الله و ترکوا
الاثار و دانو بالبدع و در تفسیر فرات در نزول اذا جاء نصر الله فرموده و لا رای
فی الدین انما الدین من الرب امره و نهیه و احادیث در این مضمون
بسیار است و این ده حدیث که عشرة کاملة است در این محل کافیه است
و احتیاج بترجمه همه اینها نیست زیرا که مفاد اینها حرمت فتواهای
ظنیه و حرام بودن حکم با رأی و بدون علم از قرآن و حدیث صحیح
است و ضد بودن ظن و قیاس و رأی است با دین مبین و احکام شرع متین
و اغلب آیات و احادیث را احقر در این مسئله در کتاب الصراط السوی
در آداب مفتی ذکر کرده و جمله از احادیث این را در اول اساس الاسلام
نقل نموده هر که تفصیل بخواید مراجعه بآنها فرماید و اگر از اول
اسلام علماء اعلام و مجتهدین کرام با ظن و با رأی حکم نمیکردند
هرگز این اختلاف بسیار در میان مسلمانان واقع نمیشد و این مذاهب

خارج نمیگردید و مسلمین بر ضد و خلاف همدیگر قیام نمیکردند و در طهارت و وضوء و غسل و تیمم در هر یکی يك آیه مختصر است و احتیاج بر تفسیر ندارد و هکذا اغلب احکام اسلام و این همه اختلافات و کتب و مطولات از جهت عمل و فتوی و حکم باطن و رأی است چنانکه در نجات ایران و اساس الاسلام احقر بیان شده پس نباید با رأی و ظن فتوی داد و حکم کرد .

« (دهم جمادی الثانیه ۱۳۴۴ حرره الاحقر الارومی عرب باغی الموسوی) »